



در این شماره ...

ای تفنگ پرغوغا!  
همواره تو آغازی .  
با خلق سلامی  
با دشمن  
پایان کلامی!

\* وظائف ما در وضعیت حساس کنونی!

\* طبقه کارگر ایران در اول ماه مه؟!

\* با دین چگونه باید مبارزه کرد؟

\* کارگران ایران و ضرورت اقدام متحد علیه  
دستگیری و زندان فعالان کارگری.

\* یادواره . بخون خفتگان راه آزادی و برابری.

رفیق کبیر امیر پرویز پویان .

رفیق خسرو روزبه .

و رفقای جنبش چریکی ترکیه

دنیز گزمیش و یارانش

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

## وظائف ما در وضعیت حساس کنونی !

رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمومی و همه جانبه روبروست . این بحران که تمام جنبه های زندگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی را فرا گرفته است موقعیت رژیم را بیش از پیش متزلزل و پیش شرطهای عینی سرنگونی آنرا هر چه بیشتر فراهم نموده است . اکنون بحران اقتصادی ژرف و مزمن که مادر تمام بحرانهای دیگر جامعه است به درجه ای حدت و شدت یافته که طی سالهای اخیر بی سابقه است . تولید در صنایع و کشاورزی وخیم تر از گذشته شده و رکود موجود عمیق تر گشته است . بخش عظیمی از کارخانه ها و دیگر موسسات تولیدی تنها طی یکسال گذشته یا بکلی تعطیل شده و یا تولید آنها به حداقل ممکن کاهش یافته است و پروژه های عمرانی تقریباً متوقف شده اند . کاهش درآمدهای دولت از نفت که در اواخر سال گذشته به پایین ترین حد ممکن خود رسیده . این روند از هم گسیختگی اقتصادی را تشدید نموده و به همه عرصه ها بسط داده است . اکنون نه تنها بحران اقتصادی در زمینه های صنعتی و کشاورزی با ابعاد مخربی عمل میکند بلکه در عرصه بازرگانی نیز چنان از هم گسیختگی پدید آورده که در نوع خود کم نظیر است . با کاهش درآمدهای ارزی دولت از نفت ، بحران مالی رژیم نیز تشدید شده است ، خزانه دولت کاملاً تهی است . انتشار اسکناس بدون پشتوانه مداوماً از اعتبار و ارزش پول رایج می کاهد ، سیستم بانکی رژیم با نابسامانیهای غیر قابل تصویری روبروست ، وخامت مالی رژیم بحدی رسیده است که اکنون حتی قادر به تامین هزینه های روزمره ماشین بوروکراتیک نظامی دولتی نیز نیست . تشدید بحران اقتصادی شرایط مادی زندگی عموم توده های مردم را به درجه غیر قابل تحملی وخیم نموده است . موج اخراج های وسیع کارگران منجر به افزایش کم سابقه بیکاران شده است . افزایش روز افزون قیمت کالاها و کاهش مداوم دستمزد واقعی کارگران حتی شرایط زندگی کارگرانی را که مشغول بکارند وخیم

نموده به نحوی که قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند . بحران اقتصادی شرایط زندگی دهقانان را نیز وخیم نموده و خانه خرابی آنها را تشدید نموده است . فشار بار بحران اقتصادی هر چند که بیش از همه بردوش طبقه کارگر ، نیمه پرولترها ، دهقانان قرار گرفته ، اما در این حد محدود نشده و شرایط مادی زندگی خرده بورژوازی شهری را نیز وخیم نموده است ، فقر به پدیده ای عمومی و همگانی تبدیل شده است ، علاوه بر این سیاستهای توسعه طلبانه و جاه طلبانه رژیم در منطقه و ادامه پروژه شکست خورده اتمی متعاقب آن تشدید تحریمهای اقتصادی ، شدیدترین فشار را به مردم تحمیل نموده و عظیم ترین مصائب مادی و معنوی را در پی داشته است . رژیم جمهوری اسلامی با ادامه سیاستهای ارتجاعی نه فقط شرایط مادی زندگی توده های مردم را وخیم نموده بلکه ملیونها تن از توده های مردم را را فدای مقاصد جاه طلبانه ، توسعه طلبانه و ارتجاعی خود نموده است . عموم مردم را در اضطراب و دلهره مداوم قرار داده و میلیاردها دلار ثروتهای جامعه را به نابودی کشیده است . شرایط وخیم زندگی توده های مردم و مصائب بیشمار ناشی از جاه طلبیهای رژیم عموم توده ها را به مقابله با رژیم کشانده است . نارضایتی مدام افزایش مییابد و اعتراضات ابعاد گسترده تری بخود می گیرند . توسل رژیم به دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته و سلب ابتدائی ترین حقوق مردم برای مهار جنبش و سرکوب اعتراض ، نارضایتی توده های مردم را تشدید نموده است . شکاف میان هیئت حاکمه و توده مردم اکنون بمرحله ای رسیده است که جز گروهی مزدور و جیره خوار ، عموم توده ها از رژیم روی گردان شده و خواهان بر افتادن آن هستند . تحت تاثیر مجموعه شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود تضاد میان مردم و هیئت حاکمه بشدت حاد شده است . از سوی دیگر انعکاس مجموعه تضادها و بحرانهای موجود در درون

هیئت حاکمه و کلیت دستگاه دولتی ، بار دیگر تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید نموده و شکاف در دستگاه دولتی پیوسته عمیق تر می شود . چندین سال مداوم است که رژیم جمهوری اسلامی با تضادها مداوماً تا حد یک بحران در درون هیئت حاکمه تشدید شده و شکافهای عمیق تری را پدید آورده است . اکنون نیز با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی ، نارضایتی توده ها و بن بست و ناتوانی رژیم در حل تضادهای اجتماعی این بحران هیئت حاکمه مجدداً تشدید شده است . دوجناح اصلی حاکم به مقابله آشکار با یکدیگر برخاسته و در درون هر یک از دو جناح نیز دسته بندیهای رنگارنگی شکل گرفته است . هر جناح مدعی حل بحران به شیوه خاص خود می باشد و جناح دیگر را مسئول بحران و وخامت اوضاع معرفی می کند . اما رژیم نه فقط بنا به ماهیت طبقاتی بورژوائی و خصلت مذهبی خود قادر نیست بر این بحران فائق آید بلکه با تشدید بحران سیاسی و اقتصادی موجود با تضادهای حادثی روبرو خواهد بود .

تداوم ژرفا یافتن بحران اقتصادی و سیاسی طی چند سال گذشته و تشدید مداوم این بحرانها نشانگر این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی نه فقط قادر به تثبیت خود بعنوان یک رژیم بالنسبه با ثبات نبوده و نیست بلکه بیش از پیش با گذشت هر روز ، زمینه های عینی سرنگونی آن بیشتر فراهم گشته است . بحرانهایی که رژیم هم اکنون در عرصه های مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی با آن روبروست در عین حال بیانگر این حقیقت است که تضادهای اجتماعی به چنان مرحله ای از رشد و حدت خود رسیده اند که حل نهائی خود را می طلبند ، اما حل این تضادها از طریق رفرم و اصلاحات ناچیز ممکن نیست ، بلکه راه حلهای انقلابی را می طلبند . بدون ابتکار انقلابی توده ای بدون یک دگرگونی انقلابی حل نهائی این بحرانها امکانپذیر نمی باشد ، بدون یک رشته تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی هیچ تغییری اساسی در وضعیت موجود

ممکن نیست. بحران فزاینده جمهوری اسلامی و چشم انداز فروپاشی آن نه فقط طبقات و اقصای انقلابی جامعه را به مقابله با رژیم برانگیخته، بلکه بخش‌هایی از بورژوازی را نیز در اپوزیسیون قرار داده است اما تنها طبقات و اقصای معینی در صف آرای طبقاتی موجود به این تحولات انقلابی علاقمند و در آن ذی نفع می‌باشند. در راس نیروهائی که خواهان یک رشته تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران هستند، طبقه کارگر جای دارد، که اساساً در جهت استقرار سوسیالیسم و برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران مبارزه می‌کند. این طبقه نه فقط به لحاظ تاریخی و طبقاتی تنها نیروی است که باید انقلاب دمکراتیک را به فرجام نهائی اش برساند بلکه تجارب و درسهای انقلاب طی چند سال گذشته، ضرورت رهبری انقلاب را به آن آموخته است. تنها با رهبری طبقه کارگر است که توده‌های مردم میتوانند مطالبات دمکراتیک خود را متحقق سازند، به درخواستهای ضد امپریالیستی خود جامعه عمل پوشیده و یک جمهوری حقیقتاً دمکراتیک را در ایران پایه گذاری کنند. اما هر چند که طبقه کارگر مصمم ترین و پیگیرترین نیروی انقلاب است، تنها نیروی انقلاب در این مرحله نیست. گذشته از نیمه پرولتراهائی که به لحاظ ساختار سرمایه داری حاکم و بحران مزمن کنونی یک نیروی قابل ملاحظه را تشکیل میدهند و نزدیکترین متحد پرولتاریا محسوب می‌گردند، خرده بورژوازی نیز که در معرض انواع و اقسام فشارهای سرمایه بزرگ، ستم امپریالیستی، تضییقات و فشارهای متعدد حکومتی و بی حقوقی و سرکوب قرار دارد، نیروی دیگر است که به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران علاقمند است و در این جهت مبارزه می‌کند این نیرو هر چند که بنا به ماهیت طبقاتی خود نیروی ذاتاً مردد نا استوار و ناپیگیر محسوب می‌شود، اما فشارهای بی حد و حصر رژیم حاکم بر ایران و نیازهای عینی تحولات جامعه که در جهت منافع

اوست، آنرا به سوی انجام این تحولات سوق داده است و تحت رهبری طبقه کارگر میتواند در پیروزی انقلاب سهمی باشد، از اینرو خرده بورژوازی شهر و روستا نیز در مرحله کنونی انقلاب متحد پرولتاریا محسوب می‌گردد و در صف انقلاب جای دارد. البته همانگونه که تجربه انقلاب ایران نشان داد تمایل اقصای مختلف خرده بورژوازی به این تحولات نمی‌تواند یکسان باشد، در حالی که اقصای پائینی و میانی خرده بورژوازی بیشتر به سمت پرولتاریا و

بنابراین طبقه کارگر تنها در اتحاد با خرده بورژوازی و استقرار دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی می‌تواند انقلاب دمکراتیک را به فرجام پیروزمندش برساند، بر اساس این صف بندی طبقاتی هم اکنون احزاب و سازمانهای شکل گرفته اند که هر یک منطبق بر منافع طبقاتی هر یک از طبقات و اقصای فوق الذکر در مبارزه سیاسی شرکت دارند و از منافع طبقه و یا قشر خود دفاع می‌کنند. ماهیت طبقاتی این احزاب که بر اساس برنامه و

**تاریخ مبارزات صد ساله اخیر در ایران، مبین این واقعیت انکار ناپذیر است که هرگاه مردم زحمتکش ایران بپا خواسته اند تا کاخ ستم و استبداد را در هم کوبند، در این میان به محض اینکه ملتی خواسته از دست آورد مبارزاتی خود استفاده کرده و در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشد، تحت عنوان «خطر تجزیه طلبی» مورد حمله قرار گرفته و از همانجا ریشه بازگشت استبداد، سرکوب و تداوم آن در سراسر کشور کاشته شده است. میشود گفت که ریشه های تاریخی استبداد و ارتجاع در ایران در همین اسارت خلقهاست و طبقه کارگر هم برای اینکه گریبان خویش را از مساله ملیت ها رهاسازد ناچار است از**

رادیکالیسم گرایش دارند و دمکراتهای خرده بورژوا را تشکیل می‌دهند، قشر فوقانی خرده بورژوازی که از رفاه بیشتری برخوردار است و تمایل بیشتری به بورژوا شدن دارد، فوق العاده متزلزل و محافظه کار است، به همین علت نیز در صف بندیهای طبقاتی در موضعی بینابینی قرار دارد و فاقد ماهیت انقلابی است. در این میان بورژوازی که در ایران طبقه حاکم را تشکیل می‌دهد و منافع آن با حفظ نظم موجود مرتبط است، مخالف جدی و سرسخت هرگونه تحولات انقلابی و دمکراتیک در ایران است. بخش‌های مختلف بورژوازی علیرغم تضادهائی که با یکدیگر بر سر سهم خود از غارت و چپاول و استثمار دارند در دشمنی با انقلاب و توده‌های مردم هم عقیده اند. تجربه توده‌های مردم در دوران حکومت شاه و جمهوری اسلامی این حقیقت را به آنها آموخته است. این طبقه به کلی در صف ضد انقلاب قرار دارد و دارای ماهیتی تماماً ضد انقلابی و ارتجاعی است.

عملکردشان تعیین می‌گردد نشان میدهد که هر یک از احزاب و سازمانهای سیاسی موجود از منافع کدام طبقه و قشر دفاع می‌کنند؟ تا چه حد به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی ذی علاقه اند و یا در مقابل آن قرار دارند؟ هم اکنون در ایران احزاب و سازمانهای مختلفی وجود دارند که عیان و آشکار از حفظ نظام سرمایه داری، نظم ارتجاعی - بوروکراتیک و دیکتاتوری بورژوازی دفاع می‌کنند، این احزاب و سازمانها با تحولات دمکراتیک - انقلابی و ضد امپریالیستی در ایران مخالفند، منافع آنها اساساً در تضاد آشکار با منافع توده مردم قرار دارد و دشمنی خود را با طبقه کارگر و عموم زحمتکشان ایران، عملاً نشان داده اند. این احزاب و سازمانها هر چند ماهیتاً هیچ گونه تفاوتی با یکدیگر ندارند و خواستار حفظ نظم موجودند، اما قشرهای مختلف بورژوازی و یا بخش‌های مختلف آن را نمایندگی می‌کنند، بر این مبنا مدافع تاکتیکیهای متفاوتی برای حفظ نظم موجود و منافع طبقه

سرمایه دارند ، برخی از تاکتیکهای لیبرالی ، رفرم های ناچیز ، آزادی سرو دم بریده و شکل جمهوری حکومت بورژوازی و برخی دیگر از تاکتیک سرکوب و اختناق ، شکل سلطنتی و یا جمهوری به شیوه اسلامی دفاع می کنند . در یک سوی این احزاب و سازمانهای بورژوائی که اساسا از منافع بورژوازی بزرگ دفاع می کنند ، احزاب و سازمانهای سلطنت طلب و سازمانهای وابسته به جبهه ملی قرار دارند ، و در سوی دیگر این طیف ، نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته اند ، همه این احزاب و سازمانها که از منافع طبقه سرمایه دار ،

بدست آورد و با توسل به تاکتیکهای لیبرالی بر بحران موجود فائق آید ، سازمان مجاهدین خلق نیز که اکنون همان سیاست نهضت آزادی را در دفاع از نظم سرمایه داری ، منافع طبقه سرمایه دار و سرمایه بین المللی دنبال میکند ، به منظور به قدرت رسیدن حتی از تاکتیکهای قهر آمیز استفاده می کرد در تلاش بود و هست که به شیوه خاص خود و با ظاهری رادیکال بر بحرانهای موجود فائق آید . این سازمان که در گذشته یک سازمان دمکرات و مبارزه بود و بر همین مبنا نیز هنوز بخشهایی از توده های مردم نسبت به آن متوهم هستند و هنوز در میان بخشهایی از توده

سیاسی خاص خود را دارد و سازمانهای مختلف خرده بورژوائی به حسب برنامه و عملکردشان تمایلات قشرهای خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند . بعنوان نمونه کومه له حزب کمونیست ایران که علیرغم توهمات عموم خلقی و مبهم گذاشتن قدرت سیاسی ، خواهان برچیده شدن دستگاه بوروکراتیک و ارگانهای سرکوب و نظامی مائین دولتی موجود است و از تسلیح عمومی خلق و شوراها دفاع می کند ، تمایل قشرهای پائینی خرده بورژوازی را نمایندگی می کند . و یا پژاک که هر چند همانند کومه له جریانی پرولتری نیست اما در تقابل با دستگاه حاکم بورژوازی منافع افشار میانی و پائینی خرده بورژوازی شهر و روستاهای کردستان را نمایندگی میکند . سازمانهای دیگر نظیر راه کارگر نیز هر چند ناپیگیرتر از کومه له حزب کمونیست مدافع دمکراسی هستند ، اینان نیز در زمره سازمان های خرده بورژوازی محسوب می گردند که لایه های پائینی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند . تمام این سازمانهای خرده بورژوائی که به تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی معتقدند ، جز سازمانهای انقلابی محسوب می شوند ، اما احزاب و سازمانهای نظیر حزب توده و اکثریتی ها که از جنبه طبقاتی منافع لایه های فوقانی خرده بورژوازی را نمایندگی مینمایند و رفرمیسم و سازش طبقاتی آنها از این سر منشا طبقاتی ناشی می گردد ، نه بیانگر انقلابی گری و دمکراتیسم خرده بورژوازی بلکه نماینده محافظه کاری و سازشکاری آن محسوب می گردند . این سازمانها که با ادعای دروغین دفاع از منافع طبقه کارگر ایفا می کنند، مطلقا فاقد هرگونه ماهیت انقلابی هستند ، اینان به حسب شرایط مختلف سیاسی یا مستقیما در صف ضد انقلاب قرار می گیرند و یا هر لحظه مستعد سازش و خیانت اند ، البته در چنین طیفی محافظی خرده بورژوائی شسته و رفته و دیسکو نشین همچون محفلی موسوم به کمونیسم کارگری و یا حکمتیست و ... جای دارند که بعنوان کارگزاران بورژوازی در راه انقلاب سنگ اندازی میکنند . بنابراین

**کسی نمی تواند از دمکراسی و آزادی سخن بگوید اما خواهان انحلال تمامی دستگاه دولتی موجود . تسلیح عمومی خلق و شوراها نباشد . کسی نمی تواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد . اما از پذیرش جدائی دولت از مذهب و از حق ملیتهای تحت ستم برای تعیین سرنوشت خود تا سر حد جدایی سرباز زند . کسی نمی تواند دمکرات و انقلابی باشد . اما درخواست کارگران و زحمتکشان را نپذیرد .**

دیکتاتوری بورژوازی ، حفظ نظام سرمایه داری و از بر جای ماندن کلیه نهادهای ارتجاعی - بوروکراتیک دفاع می کنند ، دشمن انقلاب و توده های مردم اند . در طیف احزاب و سازمانهای بورژوائی ، ماهیت بخش عظیمی از آنها از جمله سلطنت طلبان و احزاب وابسته به جبهه ملی بر توده های مردم ایران افشا شده است ، آنها فاقد هرگونه پایگاه توده ای اند و نمی توانند به نحو جدی خطری برای جنبش محسوب شوند ، اما بخش دیگری از اپوزیسیون بورژوائی که توسط نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق نمایندگی می شود با توسل به لیبرالیسم و ادعای آزادیخواهی بیش از تمام احزاب و سازمانهای بورژوائی در تلاشند تا حمایت توده های مردم را بدست آورند ، نهضت آزادی که چندان نفوذ و اعتباری در میان مردم ندارد ، می کوشد با حمایت بخشهایی از هیئت حاکمه و از طریق یک تحول مسالمت آمیز بدون هرگونه جنبشی که منافع بورژوازی را به خطر اندازد ، قدرت را

های مردم دارای نفوذ و پایگاه می باشد ، در تلاش است که با توسل به شعارهای دروغین و ادعای آزادیخواهی ماهیت بورژوائی و ضد انقلابی خود را بپوشاند و در شرایط اعتلا جنبش با حمایت بورژوازی داخلی و بین المللی در راس جنبش قرار گیرد و " بنام خلق قهرمان ایران " نظم موجود را حفظ کند . بی جهت نیست که امروزه امپریالیستها برای این سازمان اهمیت ویژه ای قائل اند و آن را آلترناتیو مطلوب برای مهار جنبش می دانند . احزاب و سازمانهای بورژوائی فوق الذکر همگی مدافع منافع بورژوازی هستند و این طبقه را نمایندگی می کنند . اهداف این سازمانها منطبق بر منافع و اهداف طبقه سرمایه دار و علیه انقلاب و توده های مردم است . بنابراین کلیه این سازمانها ضد انقلابی محسوب می شوند . همانگونه که احزاب و سازمانهای متعددی از منافع بورژوازی دفاع می کنند ، خرده بورژوازی نیز نمایندگان



روشن می گردد که در طیف سازمانهای خرده بورژوازی نیز تنها احزاب و سازمانهایی که منافع لایه های پائینی و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی می کنند و حامل دمکراتیسم انقلابی هستند دارای ماهیتی انقلابی می باشند . شناخت ماهیت طبقاتی احزاب و سازمانهای موجود بویژه در شرایط کنونی که هر لحظه بحرانهای رژیم حادتر میشود و چشم انداز اعتلا جنبش توده ای نزدیکتر می گردد ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، چرا که این ارزیابی است که نشان میدهد کدام احزاب و سازمانها از منافع طبقات و اقشار انقلابی دفاع میکنند و خواهان تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی هستند و کدام یک علیه این تحولات هستند .

بر این مینا طبقه کارگر باید از موضع پافشاری روی دمکراسی انقلابی ، خرده بورژوازی را بخود ملحق سازد ، لیبرالیسم و رفرمیسم را منفرد نماید ، جمهوری اسلامی را سرنگون کند و انقلاب را به فرجام پیروزمندش برساند . در جهت تحقق این استراتژی وظیفه سازمان ماست که مقدم بر هر چیز در جهت سازماندهی طبقه کارگر تلاش کند ، تا این طبقه بتواند وظایف انقلابی خویش را به انجام برساند . هر چند طبقه کارگر طی سالهای پر فراز و نشیب اخیر و در بطن یک رشته مبارزات حاد طبقاتی ، تجارب بسیار گرانبها و ارزشمندی آموخته و به آگاهی قابل ملاحظه ای دست یافته است ، اما هنوز از تشکل لازم برای رهبری بلا منازع انقلاب برخوردار نیست . دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته رژیم پس از دهه 60 ضربات جدی به تشکلهای طبقاتی این طبقه وارد آورده است ، از اینرو مسئله سازماندهی طبقه کارگر اساسی ترین وظیفه ایست که در برابر سازمان ما قرار گرفته است . این سازماندهی قبل از هر چیز مستلزم سازماندهی آگاه ترین و پیشروترین بخش کارگران در تشکل های حزبی ، در هسته های سرخ سازمانی است . اما ما در حال می توانیم در انجام این وظیفه خود موفق باشیم که از تجارب گذشته بیاموزیم و سبک کار

و شیوه سازماندهی خود را اصلاح کنیم . سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی کارگران بویژه در شرایطی که دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته بر ایران حاکم است و هرگونه فعالیت سیاسی کارگران با شدت سرکوب می گردد ، مستلزم ایجاد یک تشکیلات مستحکم ، مخفی ، منضبت و پایدار در میان کارگران است ، که ادامه کاریش در مبارزه تضمین شده باشد و پایه آنرا انقلابیونی تشکیل دهند که در فن مبارزه با پلیس مهارت داشته باشند و اصول و قواعد پنهانکاری را بدقت بکار می گیرند . چنین تشکیلاتی بجای گسترش سطحی ، به فعالیت عمقی می پردازد و بجای تکیه بر کمیت به کیفیت اتکا می

### کارگران ، زحمتکشان و عموم توده های ستمکش :

راه نجات قطعی از وضع موجود در گام نخست اتحاد و همبستگی است ، با اتحاد و همبستگی هیچکس خود را در مقابله با تعرضات سرمایه داران و مزدوران سرکوبگرشان تنها احساس نخواهد کرد ، با اتحاد و همبستگی امکان مبارزه متحد و یکپارچه تضمین میگردد ، تشکلهای مستقل ضامن استقلال طبقاتی و بیان خواسته های برحقان میباشد بوجود میآید ، و مانع از نفوذ کارگزاران و مزدوران سرمایه در صفوف مستقل میشود . با اتحاد و همبستگی و بوجود آوردن صندوقهای اعتصاب ، سازماندهی حرکات اعتراضی و اعتصابات و تداوم آن تضمین میگردد .

را ناگزیر می سازد که متشکل عمل کنند ، امروز با توجه به دیکتاتوری و اختناق حاکم بر ایران و در عین حال چشم انداز اعتلا قریب الوقع جنبش و نیز با توجه به تجارب بین المللی طبقه کارگر مناسب ترین شکل تشکل غیر حزبی کارگران ، کمیته های مخفی کارخانه است ، بنابراین عناصر پیشرو کارگری ، فعالین و هواداران سازمان در کارخانه ها باید در جهت ایجاد این کمیته ها تلاش کنند . البته اهمیتی که با توجه به مجموعه شرایط موجود و چشم انداز آینده جنبش برای کمیته های مخفی کارخانه قائلیم ، به معنای نفی دیگر تشکل های غیر حزبی کارگران نیست . باید از هر تشکل قانونی و غیر قانونی ، و در هر کجا که امکان برای متشکل کردن عمومی کارگران وجود دارد استفاده کرد . مسئله اساسی برای ما متشکل ساختن کارگران و زحمتکشان است .

کند و هسته های سرخ کارگران را بر اساس گزینش بسیار دقیق اعضا آنرا سازمان میدهد . تشکیلاتی که بخواد به عنوان تشکیلات پایدار و ادامه کار در میان کارگران فعالیت کند ، و طبقه کارگر را سازماندهی کند ، بایست اکیدا به سبک کار و شیوه فعالیت پرولتری متکی باشد ، به کار و فعالیت ، متین ، پیگیر و ادامه کار بیاندیشد ، از حرکت های مقطعی ، عجولانه و تبلیغات گرایانه بپرهیزد و بجای اینکه در پی خودنماییهای خرده بورژوازی باشد و بخواد بهر شکل ممکن حضور و فعالیت خود را نشان دهد به سازماندهی یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران بیاندیشد . بنابراین سازمان ما با درس گیری از گذشته و تصحیح جدی سبک کار و شیوه فعالیت و سازماندهی خود می باید وظیفه خود را در امر سازماندهی کارگران از طریق ایجاد

سازماندهی طبقه کارگر هر چند اساسی ترین و مهم ترین وظیفه ماست ، اما تنها وظیفه ما نیست . در شرایطی که چشم انداز اعتلا جنبش توده ای ، و احتمال یک قیام وجود دارد یکی دیگر از وظائفی که در برابر ما قرار گرفته است ، تلاش در جهت کسب توافق و ائتلاف با دمکراتهای انقلابی در جهت سرنگونی رژیم است . اگر پیروزی انقلاب دمکراتیک در ایران منوط به این است که طبقه کارگر با خرده بورژوازی برای سرنگونی رژیم و استقرار یک رژیم دمکراتیک متحد گردد ، سازمان ما باید در این زمینه نیز تلاش کند ، و در جهت ائتلاف و اتحاد عمل با دمکراتهای انقلابی علیه جمهوری اسلامی بکوشد . حفظ استقلال طبقاتی کارگران و دفاع از برنامه و تاکتیکهای پرولتری به هیچ وجه نافی این اتحاد عملها و ائتلاف ها با سازمانهای دمکرات و انقلابی نیست . ما باید در عین افشا ماهیت سازمانهای خرده بورژوازی ، و مرزبندی ایدئولوژیک - سیاسی با آنها ، در جهت ائتلاف ها و اتحاد عملهای اصولی که متضمن دفاع از برنامه انقلابی پرولتاریا باشد اقدام کنیم ، کم بها دادن به این امر نه فقط منجر به انفراد طبقه کارگر خواهد شد ، بلکه زمینه را برای نزدیکی سازمانهای دمکرات و انقلابی به لیبرالها و سوسیال - رفرمیستها هموار خواهد ساخت . شرایط فوق العاده تعیین کننده ای در پیش است هر روز که بگذرد بحران اقتصادی و سیاسی موجود ژرفتر می گردد . تضادها به سر حد انفجار نزدیکتر می شوند . احتمال وقوع یک قیام در این بحران و جنگ احتمالی و حتی پس از آن به امری جدیتر تبدیل می گردد .

وظیفه تدارک برای یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه ، وظیفه ای بسیار مبرم است . سازماندهی طبقه کارگر و زحمتکشان و تلاش در جهت کسب توافق و ائتلاف با دمکراتهای انقلابی به مثابه تدارک سیاسی قیام از اهمیت ویژه ای برخوردار است . بر مبنای آنچه که در تحلیل وضعیت کنونی و چشم انداز تحولات سیاسی اند ، باید تمام نیرو و امکانات مان را در جهت

تبدیل جنگ قریب الوقع و احتمالی و ارتجاعی امپریالیستی به جنگ داخلی بکار گیریم ، به طرح شعارهای بلاواسطه انقلابی پردازیم ، خواستهای روزمره را با شعارهای مستقیما انقلابی همچون سرنگونی جمهوری اسلامی پیوند دهیم .

توده مردم را حول برنامه دمکراتیک که بیانگر اساسی ترین مطالبات دمکراتیک - ضد امپریالیستی و رفاهی آنهاست ،

به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری فدراتیو شورایی فرا خوانیم ، بی ثمری رفرمیسم و درخواست اصلاحات نا چیز را به آنها نشان دهیم و متقاعدشان سازیم که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و انجام یک رشته تحولات انقلابی ، تحقق دمکراسی و رفاه عمومی ممکن نیست . نشان دهیم که انقلاب راه حل قطعی همه بحرانهاست . ■

## گرامی باد خاطره فدائی بخون خفته رفیق کبیر امیر پرویز پویان



از مرگ نیرومندتر برخاستی،  
و با حنجره ی دوست داشتنی ات خواندی ،  
آوازهای سرخ بلندت را ،  
روی فلات خفته ی در بند

(( تحت شرایطی که روشنفکران انقلابی خلق فاقد هرگونه رابطه مستقیم و استوار با توده خویشند . ما نه همچون ماهی در دریای حمایت مردم . بلکه همچون ماهیهای کوچک و پراکنده در محاصره تمساح ها و مرغان ماهیخوار به سر می بریم . وحشت و خفقان . فقدان هر نوع شرایط دمکراتیک . رابطه ما را با مردم خویش بسیار دشوار ساخته است . حتی استفاده از غیر مستقیم ترین و در نتیجه کم ثمرترین شیوه های ارتباط نیز آسان نیست . همه کوشش دشمن برای حفظ همین وضع است . تا با توده خویش بی ارتباطیم . کشف و سرکوبی ما آسان است . برای اینکه پایدار بمانیم . رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را به وجود آوریم . باید طلسم ضعف خود را بشکنیم . باید با توده خویش رابطه ای مستقیم و استوار به وجود آوریم . )) " ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا "

رفیق پویان کمونیستی پر شور و برجسته با خلاقیت کم نظیر در درک مسائل سیاسی و اجتماعی است که نظراتش در راهگشایی و پویایی جنبش نوین کمونیستی ایران سهمی سزاوار دارد . رفیق در کتاب " ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا " مبارزه مسلحانه را بمنزله ی یک ضرورت تاریخی در آن مقطع اعلام می دارد و با دیدی دیالکتیکی مکانیسم درهم شکستن سدی را که پیشروی توده ها و پیشاهنگ توده ها قرار دارد نشان می دهد . پس از تدوین این اثر رفیق پویان با همزمانش رفیق مسعود احمد زاده و رفیق عباس مفتاحی - بنیانگذاران گروه اولیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - به سازماندهی نظامی می پردازند .

یادش زنده و راهش پویان باد !

## طبقه کارگر ایران در اول ماه مه؟!

عموم توده های مردم ایران از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی محروم نموده است . هر جنبش و اعتراض کارگران بخاطر مطالبات بر حق خویش سرکوب می گردد و کارگران از تشکل های واقعی خود محروم شده اند . نهادهای متعدد و سرکوب مادی و معنوی در کارخانه ها شدیدترین فشار را بر کارگران وارد می آورند . تعداد کثیری از کارگران پیشرو و آگاه به خاطر دفاع از منافع طبقه کارگر یا هم اکنون در زندانهای رژیم اسیرند و یا به جوخه های اعدام سپرده شده اند تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی که فوقاً به آن اشاره شد ، نشان میدهد که کارگران ایران در معرض وحشیانه ترین ستم اقتصادی و سیاسی قرار دارند . هر چند طبقه کارگر در تمام دوران پس از دهه ی 60 که رژیم به تروریسم عریان و آشکار روی آورد ، پیشتازی خود را در مبارزه علیه رژیم نشان داده و یک لحظه از مبارزه خود

محروم نموده است . با گذشت هر روز بخش های دیگری از صنایع و موسسات متوقف می گردند و گروه کارگران به بیرون از کارخانه پرتاب می شوند . بحران اقتصادی بر وضعیت زندگی کارگرانی هم که مشغول به کارند اثرات وخیمی برجای گذاشته است . دستمزد واقعی کارگران مداوما در حال کاهش یافتن است و سطح معیشت آنها به حد غیر قابل تحملی تنزل نموده است . دیگر حتی دستمزد یک کارگر متوسط نیز جوابگوی زندگی روزمره او نمی باشد . در چنین شرایطی که وضعیت کارگران به نحو روز افزونی وخیم شده است ، سرمایه داران بر شدت استثمار کارگران افزوده اند و با تشدید استثمار سوده های کلانی به جیب می زنند ، شکاف میان فقر و ثروت ، فقیر و غنی ، کارگر و سرمایه دار هر روز بیشتر می شود .

امسال نیز همچون سالهای گذشته پرولتاریای سراسر جهان روز اول ماه مه را به نشانه بیداری و آگاهی و اتحاد و همبستگی جهانی خود جشن گرفت و عزم و اراده خلل ناپذیر خود را به ادامه نبرد برای برانداختن نظام مبتنی بر ستم و استثمار سرمایه داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی به نمایش گذاشت . کارگران جهان با راهپیمائی ها و تظاهراتی که در پاره ای موارد به درگیری و زد و خورد با پاسداران نظام سرمایه داری انجامید ، اتحاد و همبستگی خود را در شرایطی نشان دادند که دنیای کهنه و رو به زوال سرمایه داری بار دیگر با یک بحران اقتصادی که همه تضادهای این نظام را تشدید نموده ، دست به گریبان است . مبارزه طبقه کارگر اعتلا و گستردگی نوینی یافته و طبقه کارگر با روی آوری به مبارزه آشکار و انقلابی علیه نظم موجود آرام ، آرام خود را از نفوذ اپورتونیست – رفرمیستهای رنگارنگی که سدی بر سر راه مبارزه طبقاتی آن محسوب می گردند رها می سازد .

### کارگران . زحمتکشان و عموم توده های ستمکش

**نمایشهای پوچ قدرت نمایی رژیم یا همانا صحنه های اعدام در ملا عام را به صحنه اعمال اراده خود تبدیل نمایند و با برهم زدن چنین نمایشات قرون وسطایی عزم و اراده خود را بمنظور لغو و اجحاف و بر افکندن حکومت سرکوب و ادام بنمایش بگذارید !**

علیرغم سرکوب و اعدام دست برنداشته است . با این وجود فشارهای بی حد و حصر اقتصادی و سیاسی ، بر شکل مبارزه طبقه کارگر تاثیر گذارده و از حدت مبارزه آشکار و علنی و انقلابی این طبقه کاسته شده است . اخراج بخش وسیعی از کارگران به بهانه های اقتصادی و سیاسی ، اثرات منفی موج اخراجهای دسته جمعی بر روحیه کارگران مشغول بکار ، اخراج و بازداشت کارگران پیشرو ، تنزل سطح فعالیت سازمانهای انقلابی در میان کارگران ، از هم پاشیدن تشکل های عمومی کارگری ، همه آنچه که ذکر شد ، در زمره عواملی هستند که بشدت بر

کارگران نه فقط با فقر نسبی بلکه با فقر مطلق نیز روبرو هستند . فشارهای ناشی از تحریم و بحران خارجی نیز بر کارگران اعمال میشود و شرایط زندگی این طبقه را مشقت بارتر ساخته است . سیاست جاه طلبانه جمهوری اسلامی مستقیم و غیر مستقیم منجر به تعطیلی تعدادی از کارخانه ها و موسسات شده و بسیاری از کارگران را از حداقل معیشت محروم نموده است . ابعاد ستم سیاسی که این رژیم ارتجاعی بر طبقه کارگر اعمال می کند حد و مرزی نمی شناسد ، دیکتاتوری آشکار و عریان ، عنان گسیخته و تروریستی رژیم جمهوری اسلامی طبقه کارگر را نیز همچون

اما طبقه کارگر ایران که در زیر یوغ یکی از ارتجاعی ترین رژیمهای دوران معاصر قرار گرفته است ، امسال نیز نتوانست در یک مبارزه آشکار و عیان همچون تمام هم زنجیران خود در سراسر جهان قدرت خود را به نمایش بگذارد ، هر چند که در اشکال دیگری روز اول ماه مه را جشن گرفت و اتحاد و همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان نشان داد . ستمی که امروز در ایران بر طبقه کارگر اعمال میشود حقیقتاً کم نظیر است ، کارگران در معرض وحشیانه ترین ستم اقتصادی و سیاسی قرار گرفته اند . شرایط مادی زندگی کارگران هیچگاه تا به این حد وخیم نبوده است . بحران اقتصادی حاکم بر ایران بیشترین و شدیدترین فشار را برگرده این طبقه وارد آورده است . توقف فعالیتهای اقتصادی ، میلیونها کارگر را از تامین حداقل معیشت

## با دین چگونه باید مبارزه کرد ؟ بخش دوم

دین اسلام را علت عقب ماندگی جامعه ی ایران و جامعه هایی شبیه آن می دانند . نظریه ای نادرست و سطحی است . ما اعتقاد داریم که علت الکل همه ی گرفتاریهای جامعه ی ایران نظام سرمایه داری است . مبارزه ی اصلی ما ، البته ، با این نظام است . ولی بر این نکته هم تاکید داریم که در ایران دین سپر سرمایه شده است . از این رو ، برای مبارزه با سرمایه باید با سپر آن نیز به مبارزه پرداخت .

ممکن است تصور شود که مبارزه با دین ، به معنای آن است که افراد مذهبی باید از بین بروند . یا ممکن است برخی گمان کنند که مبارزه با دین معنایش آن است که در حضور افراد مذهبی به خدا و پیغمبر و امامان دشنام دهیم و یا این که قرآن را در پیش روی معتقدان به آن پاره پاره کنیم . شاید کم نباشند کسانی که به چنین حرکت‌های چپ روانه و آنارشویستی دست می زنند . چنین حرکت‌هایی نه تنها مبارزه ی اصولی با دین نیست ، بلکه باعث تقویت تعصبات دینی نیز می شود . از چنین حرکت‌هایی باید اکیداً پرهیز شود . ما باید آگاه باشیم که تعصبات دینی سخت ترین تعصبات است . ما نمی توانیم و نباید ، برای نمونه ، هر کارگری را که مذهبی است ، مرتجع بنامیم . ما باید در برخورد به افراد مذهبی ، آنان را آگاه کنیم . مذهبی بودن بسیاری از توده های کارگر و زحمتکش بدان علت است که طبقات استثمارگر چنین تفکراتی را در جامعه تحکیم و تقویت می کنند . نباید به فرد مذهبی ، به اعتبار مذهبی بودن حمله کرد . بجای مبارزه با باورهای مذهبی ، باید پایه های مادی این باورها را نابود کرد . هر دینی دارای ریشه های اجتماعی و اقتصادی است . برای نابودی دین باید این ریشه ها را از بین برد . تصور این که صرف مبارزه با دین ، باعث نابودی آن می شود ، تصویری غیر علمی و ایده آلیستی است . دشمن اصلی ما دستگاه دینی نیست .

در بخش اول مقاله بحث ما به اینجا کشیده شد که به دلیل یکی شدن رسمی دین و دولت در ایران پس از بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی ، مبارزه با دین برای مارکسیستهای ایرانی اهمیت ویژه ای یافته است . در آنجا تاکید کردیم که مارکسیستها باید از این فرصت تاریخی کمیاب و دیریاب برای مبارزه با دین استفاده کنند . همچنین توضیح دادیم که به دلیل سنت اپورتونیستی و سازشکارانه حزب ضد انقلابی توده در برخورد با دین و حضور سازمان مجاهدین در عرصه مبارزات ضد شاه - ضد امپریالیستی دهه ی پنجاه و برخی درکهای نادرست از رابطه ی زیر بنا و روبنا ، برخورد قاطعانه ای با دین انجام نگرفته است . در ادامه ی بحث خود در این شماره سعی خواهیم کرد مفهوم و چارچوب مبارزه با دین را بیشتر باز کنیم . پیش از هر چیز تذکر این نکته ضروری است که منظور ما از اساسی دانستن وظیفه ی مبارزه با دین در مقطع کنونی به هیچ وجه به معنای مطلق کردن یا محور قرار دادن این گونه مبارزه نیست . یا به سخن دیگر منظور ما این نیست که مبارزه در عرصه های دیگر فرعی اند . ما صرفاً بر این عقیده ایم که مبارزه با دین در وضعیت کنونی جامعه ی ایران اهمیت ویژه ای یافته است و مارکسیستها موظفند بطور جدی و قاطعانه به این مساله برخورد کنند . مفهوم مبارزه با دین به معنای نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به مبارزه با نظام سرمایه داری نیست . به سخن دیگر ، مبارزه با دین به معنای نفی مبارزه ی طبقاتی علیه سرمایه داری و امپریالیسم نیست . ما وقتی که می گویم مبارزه با دین یک وظیفه ی اساسی است ، نباید این تصور نادرست پیش بیاید که ما دین را در جامعه ی کنونی ایران " علت الکل " تمام بدبختی ها می دانیم و لذا مبارزه با آن را در راس همه ی مبارزات قرار می دهیم . این نظریه که در بعضی محافل بورژوایی رایج است و

بی سازمانی کارگران و شکل مبارزه آنها تاثیر گذارده است . اما عوامل عینی نیرومندی دست اندرکارند ، که طبقه کارگر را به سوی مبارزه با سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی سوق می دهند ، وخامت وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه ، چشم انداز تشدید هر چه بیشتر بحرانهای موجود به مبارزه طبقه کارگر نیز اعتلا نوبنی خواهد بخشید ، طبقه کارگر ایران که در چند سال اخیر در کوران یک مبارزه حاد طبقاتی به تجارب گرانبها و ارزشمندی دست یافته و در بطن این مبارزه طبقاتی مداوماً بیدار و آگاه شده است . همه تجارب و درس های گذشته را بکار خواهد بست . اگر امروز رژیمی به غایت ارتجاعی بر مردم تحمیل شده ، اگر توده مردم تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی ، فقر ، اختناق و سرکوب قرار گرفته اند ، به این علت است که طبقه کارگر رهبری مبارزه را دست نداشت و با سرنگونی رژیم شاه ، دوباره سرمایه داران این بار بنام جمهوری اسلامی بقدرت رسیدند ، اما در اعتلا نوبین جنبش قطعاً طبقه کارگر با نقشی که در مبارزه عمومی توده ای علیه جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دمکراتیک ایفا خواهد نمود ، از تکرار فاجعه بار رویدادهای چند دهه گذشته و مصائب موجود جلوگیری خواهد کرد . در جهت تقویت این نقش طبقه کارگر مسئله تشکل این طبقه که مهمترین وظیفه ایست که در برابر همه پیشروان جنبش کارگری قرار گرفته است . شرایط زندگی و مبارزه طبقه کارگر الزاماً این طبقه را بسوی تشکل سوق میدهد و وظیفه ماست که با تمام نیرو در این جهت تلاش کنیم ، تا طبقه کارگر بتواند بعنوان یک نیروی متشکل در برابر عموم سرمایه داران و مرتجعین قرار گیرد و وظیفه دوران ساز و تاریخی خود را انجام دهد .

**نشریه کار کمونیستی ارگان رسمی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را بخوانید**





برای مبارزه ی اصولی با دین باید ریشه های مادی دین خشکانده شود . به نظر ما تنها راه مبارزه ی علمی و اصولی با دین مبارزه ی ایدئولوژیک است . مارکسیستهای ایرانی در لحظه ی کنونی برای مبارزه با دین هیچ سلاح کارسازتری از سلاح تبلیغ و ترویج علیه دین ندارند . ولی ما می دانیم که دین تنها با مبارزه ی ایدئولوژیک و تبلیغات سیاسی از بین نمی رود و همان طور که گفتیم برای خلاصی کامل از دین باید شرایط مادی ای که دین بر آن استوار است ، نابود شود . ولی با مبارزه ی ایدئولوژیک علیه دین یکی از پایه های اساسی نظام سرمایه داری ایران متزلزل می شود . کمونیستها در عین حال که می دانند که مبارزه با دین اساسا از طریق مبارزه با بنیادهای اقتصادی و اجتماعی آن می گذرد ، گسترده ترین آموزش علمی و تبلیغات ضد دینی را نیز سازماندهی می کنند . مبارزه ی ایدئولوژیک با دین در کنار سایر وجوه مبارزه در تمامی عرصه های اجتماعی یکی از وظایف مهم کمونیستها در لحظه کنونی است . بدیهی است که شعار مبارزه ی ایدئولوژیک با دین در متن شعار سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی و اقدام عملی برای آن مطرح می شود . مبارزه با دین باید در دو سطح ترویجی و تبلیغی انجام گیرد . باید طی کارهای تحقیقی علمی گوهر حقیقی ادیان را افشا کنیم . باید زمینه های اقتصادی و اجتماعی پیدایش دین را نشان دهیم . با تحلیلهای دقیق و موشکافانه باید نشان دهیم که تمام ادیان به دست بشر ساخته شدند . باید با بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی عربستان نشان دهیم که چه نیازهای مادی و مشخصی پیدایش دین اسلام را ضروری ساخت . باید با روشن ساختن نقش محمد در ایجاد دین اسلام بر همگان آشکار کنیم که او یکی از بزرگ ترین شیادان تاریخ بوده است . باید بر همه روشن شود که قرآن و دیگر کتب ادیان دیگر نه تنها یک کتاب آسمانی و مقدس نیستند بلکه چون یک کتاب زمینی نیز ارزشی ندارند .

در کنار این کوششهای روشنگرانه باید جنایاتی را که در طول تاریخ بر مبنای دین انجام شده است و به ویژه جنایات دین اسلام در تاریخ ایران را نشان دهیم . مردم باید بدانند که در طول تاریخ جوامع طبقاتی دستگاه دینی همیشه در خدمت استثمارگران بوده است . باید رابطه دین و نظامهای مبتنی بر ستم و استثمار را با تمام ظرافتهایش افشا کنیم . همچنین باید نگرش علمی را هر چه بیشتر تقویت کنیم . باید ماتریالیسم دیالکتیک را بیشتر و بیشتر بیاموزیم و تا آنجا که می توانیم به دیگران نیز آموزش دهیم . هرچه دید علمی در جامعه تقویت شود جهل مذهبی تضعیف می شود . بسیاری از کارهای تحقیقی و روشنگرانه ای که برشمردیم ، به راحتی در خارج از کشور انجام پذیر است . از جنبه های بسیاری نیز انجام دادن چنین کارهایی در خارج از کشور آسان تر است . منابع برای تحقیقات علمی در مورد دین در خارج از کشور بسیار بیشتر است و دسترسی به آنها نیز سهل تر است . از همه مهم تر فراغتی که برای انجام چنین کارهایی در خارج از کشور فراهم است با داخل کشور قابل مقایسه نیست . رفقای خارج کشور باید از شرایط خارج از کشور نهایت استفاده را به عمل آورند و بدون هیچ گونه تلف کردن وقت در کنار سایر وظایف مبارزاتی به تحقیقات مستند و روشنگرانه ای در مورد ماهیت دین دست زنند . باید به ویژه با آثار کلاسیک مارکسیسم در مورد دین آشنا شویم . مطالعه تحقیقات علمی بی نظیر انگلس درباره دین ، که پوچی ادیان و شیادی پیامبران را با وضوح تمام بنمایش می گذارد ، برای همه ضروری است . در کنار مبارزه ی ایدئولوژیک و تبلیغات سیاسی علیه دین اسلام ، باید با به اصطلاح اسلام راستین مجاهدین نیز مبارزه شود . اسلام راستین همین اسلامی است که رژیم جمهوری اسلامی پیاده می کند و صحبت از هر نوع اسلام دیگر فریبی بیش نیست . بین اسلام مجاهدین و اسلام خمینی و رژیم

جمهوری اسلامی هیچ تفاوت بنیادی وجود ندارد . تنها تفاوت بین این دو نوع اسلام ، تفاوت بین دو شیوه ی حفظ نظام سرمایه داری در ایران است . مسعود رجوی تنها یک مارتین لوتر نابهنگام است . لوتر توانست با رفرمهایی در دین مسیحیت و بنیان گذاری مذهب پروتستان در قرن شانزدهم ، به نظریه پرداز بورژوازی جوان و انقلابی آلمان در مبارزه علیه فئودالیسم تبدیل شود . اما رجوی در شرایطی به رفرم بورژوایی در اسلام دست می زند و مذهب دروغین خود یعنی " اسلام راستین " را پایه گذاری می کند که بورژوازی دیگر نه تنها یک طبقه ی جوان و انقلابی نیست ، بلکه به جای فئودالیسم با پرولتاریا دست به گریبان است . اگر لوتر با بورژوازی کردن مسیحیت در قرن شانزدهم ، بورژوازی انقلابی را علیه فئودالیسم مسلح می کرد ، رجوی با بورژوازی کردن اسلام در قرن حاضر بورژوایی ضد انقلابی را علیه پرولتاریا مسلح می کند . از این روست که به همان اندازه که لوتر انقلابی بود ، رجوی ارتجاعی است . ما باید در مبارزه ی خود علیه دین اسلام ، این ویژگیهای " اسلام راستین " مجاهدین را در نظر داشته باشیم و نشان دهیم که چگونه این اسلام تنها کوششی است برای منطبق کردن اسلام با وضعیت سرمایه داری مدرن . این کوشش در حقیقت از احمد روحی و جمال الدین اسد آبادی شروع شد و سپس افرادی چون نائینی ، طالقانی ، بازرگان ، شریعتی ، دکتر پیمان و رهبران سازمان مجاهدین آن را دنبال گرفتند . در پایان این بخش از مقاله جمع بندی کنیم : مبارزه با دین در وضعیت کنونی ایران وظیفه ای مهم است . وجه عمده ی این مبارزه ، تبلیغ و ترویج ضد دینی و مبارزه ی ایدئولوژیک است . هدف ما در مبارزه ی ایدئولوژیک علیه دین ، افشا کردن گوهر حقیقی دین ، چگونگی پیدایش آن ، نقش جنایت کارانه اش در طول تاریخ ، رابطه ی دین و طبقات استثمارگر و جز اینها است . ادامه در شماره بعد ...

## کارگران ایران و ضرورت اقدام متحد علیه

## دستگیری و زندان فعالان کارگری.

یدی شیشوانی

کارگری است تا از هرگونه تلاشی برای اینکه بتوان سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر را افزایش داد، جلوگیری کنند و به تصور خود با دستگیری فعالین کارگری و با تهدید و سرکوب مدام، از تشکیل صنفی متحد در مقابل نظام حاکم را غیرممکن سازند.

تشدید چنین روندی قبل از هرچیز هشدار است چندین باره به کارگران و فعالین کارگری بویژه کارگران پیشرو که خود را از زیر فشار و تاثیر ویران کننده تبلیغات رفرمیستی، قانونمدارانه و اپورتونیستی رها سازند، روشن است که مبارزه با گرایشات رفرمیستی و بورژوائی در درون جنبش کارگری که علنی گرائی و اکونومیسم و خورده کاری هم وجهی از آن محسوب میگردد به معنی استفاده نکردن از امکانات علنی و هرروزه ای که به ارتقاء سطح آگاهی و تشکل یابی اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر منجر شود و وی را در مبارزات روزمره برای کسب حداقل مطالبات اقتصادی و سیاسی متحد کرده و به پیروزی برساند، نیست. معهذاً محدود کردن فعالیت در این حد و بنیاندیشیدن به ایجاد تشکلهای مخفی و نیمه علنی و ادامه کاردر شرایط استبداد و خفقان و ناتوانی در تلفیق کار علنی و مخفی، خلع سلاح طبقه کارگر و کشاندن آن به دور تسلسل خورده کاری و طعمه پلیس ساختن فعالینی است که طبقه کارگر درگسترش اعتراضات و اعتصابات خود سخت به آنها نیاز دارد.

همزمان با تلاش برای ایجاد سازمانهای توده ای و پاساخ به ضرورت سازمانهای صنفی و اقتصادی کارگری، میباید نیروی بیشتری را حول ایجاد نهاد هائی نظیر کمیته های کارخانه و هسته هائی گذاشت که درپروسه فعالیت خود بتوانند سطح آگاهی سوسیالیستی خود را بالا برده و از چنان انسجام و سازمانیابی برخوردار باشند که بتوانند ضمن انجام وظایف متعدد خود در حوزه محل کار و زیست ادامه کاری خود را نیز تضمین کنند، و روشن است که موفقیت همه این تلاشها درگرو پیشرفت آگاهی سوسیالیستی و طبقاتی در میان کارگران و متشکل شدن حداقل بخش پیشرو آن در سازمانهای سیاسی مخفی است که بتوانند به ارتقاء سطح آگاهی سوسیالیستی در میان کارگران یاری

محسوب میگردد). این بازجوها و ارگانهای امنیتی هستند که اساساً قبل از تشکیل دادگاهها احکام لازم را تعیین و به قضات دیکته میکنند. بنابراین این توهم را از ذهنها دور بیاورد که گویا صدور چنین احکامی در مورد فعالین کارگری و شدت و ضعف آن صرفاً مربوط به تصمیم قضات بنشسته برکسی قضاوت است. چنین درکی از سیستم قضائی کشور بویژه درباره پرونده های فعالین کارگری که برغم اهداف اقتصادی و صنفی اما درکاتگوری پرونده های سیاسی و امنیتی میگنجد، از روی ساده انگاری و یا آگاهانه و به قصد فریب کارگران و فعالین سیاسی و انحراف مبارزات آنها صورت میگردد. این گونه طرز تلقیها و حقه کردن آن به ذهنیت کارگران در هر شکل و شمایل که صورت بگیرد، تلاشی است که میخواهد ذهنیت کارگران و نارضایستی و خشم آنان متوجه سیستم حاکم و قوانین ضدکارگری آن نگردد، بلکه با چرخیدن انگشت اتهام به سمت این و یا آن دادگاه و این و یا آن قاضی کل رژیم حاکم و قوانین ارتجاعی ضد کارگری و ضد انسانی آن از زیر ضرب خارج گردد. کارگران باید دریابند که صدور چنین حکم سنگینی برای رضا شهابی و در زندان نگه داشته شدن عده دیگری از فعالین سندیکائی و تهدید و کلا و خانواده های آنان سیاست عمومی طبقه حاکم و دولت بمنظور مقابله با اعتراضات کارگری است.

روند تشدید بحران اقتصادی، افزایش تورم و بالارفتن سرسام آور قیمت مایحتاج عمومی، بیکار سازیهای وسیع، سطح پائین حقوق و دستمزدهائی که حتی از پرداخت بموقع آن نیز خودداری میکنند و ماهها از پرداخت آن طفره میروند، به همراه اثرات محاصره اقتصادی توسط دول امپریالیستی روند روبه تزاید فلاکت اقتصادی رادامن زده و اعتراضات و وسیعتر کارگری را در پی خواهد داشت.

سیاست دولت در مواجهه با گسترش اعتراضات، شناسائی فعالین کارگری، کارگران پیشرو و رهبران عملی جنبش

آخرین اخبار از زندانها و بیدادگاه های جمهوری اسلامی حاکی است که رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و فعال کارگری که از 22 خرداد 1389 در بازداشت به سر میبرد طبق حکم شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران به شش سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و پرداخت هفت میلیون تومان جریمه نقدی محکوم گردیده است.

احتمال صدور چنین حکمی درباره رضا شهابی توسط بیدادگاه های ضد کارگری جمهوری اسلامی امری غیر مترقبه نبوده و نیست. دادگاه هائی که بر جرم و جنایات بی شمار مافیای قدرت و ثروت با چشم اغماض مینگردند. بر دزدیها و اختلاس های میلیاردی نهان و آشکار عوامل حکومت و صاحبان ثروت های باد آورده چشم فرو میبندند. قاضی القضاات شان امر به تجاوز و کشتار جوانان در زندانهای مخوفی چون اوین و کهریزک میدهند، طبیعی است که برای فعالین کارگری که جرم شان ایجاد سندیکای صنفی خود برای دفاع از حقوق پایه ای خویش در مقابل تعرضات دولت و سرمایه داران است چنین حکمی در نظر گرفته شود.

از خصوصیات بد و نیک قضات که بگذریم واقعیت این است که در جمهوری اسلامی هر قاضی که برمسند قضاوت برپایه قوانین جاری جمهوری اسلامی بنشیند کم و بیش به تصمیمی مشابه خواهد رسید. به عبارت دیگر محاکمه فعالین کارگری و صدور چنین احکامی وظیفه ای است که قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی برعهده قضات این بیدادگاهها نهاده است. اجرای این قوانین و شدت و ضعف و ملاحظه کاری و یا سخت گیری قضات در صدور احکام و اجرای آن نیز بستگی به موقعیت و نظر ارگانهای امنیتی رژیم دارد. در مورد پرونده های سیاسی و امنیتی (که تشکيل هر نوع تشکل کارگری مستقل از جمله تشکيل سندیکا برای استیفای حقوق کارگران هر چند در ابعاد صنفی و اقتصادی پرونده ای امنیتی



## به یاد رفیق بخون خفته خسرو روزبه

" ... من سنگر مبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام عواقب آن را با روی گشاده تحمل میکنم ... " از دفاعیات رفیق خسرو روزبه

با طلوع سپیده صبح بیست و یکم اردیبهشت خاطره شهادت انقلابی بزرگ رفیق خسرو روزبه دوباره در یادها زنده می شود . رفیق روزبه که در سراسر زندگی افتخار آمیز و مبارزه جویانه اش به آرمان کارگران و زحمتکشان می اندیشید سرانجام در سپیده دمان بیست و یکم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۷ با نثار خون سرخ و پاکش مهر وفاداری بر راه راهایی کارگران و زحمتکشان جامعه کوید . و در حالیکه با ظنن فریاد " زنده باد کمونیسم ... " لرزه بر اندام مزدوران جلاذ رژیم پهلوی انداخته بود با قلبی پر امید و قامتی برافراشته به پیشواز شهادت شتافت و به این ترتیب صفحات تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان بار دیگر بخون یکی از درخشان ترین چهره های انقلابی جنبش کمونیستی ایران گلگون شد . رفیق روزبه زمانی به استقبال شهادت شتافت و در شرایطی به دفاع از مارکسیسم - لنینیسم پرداخت که رهبران خائن حزب توده ، چون کیانوری ها و طبری ها فرار را برقرار ترجیح داده و یا چون قریشی ها و .... بی شرمان دیگر به خدمت دشمنان خلق در آمده بودند ، و

رژیم وابسته پهلوی پس از سرکوبی جنبش ضد امپریالیستی توده ها می کوشید تا با استفاده از خیانتها و انحرافات حزب توده کمونیسم و کمونیستها را بی اعتبار کنند . دفاعیات قاطعانه رفیق روزبه از مارکسیسم - لنینیسم یعنی علم رهائی طبقه کارگر چون مشت پولادینی بر پوزه ی دشمنان خلق فرود آمد و ایستادگی ، رزمندگی و شهادت حماسه آفرین او ، تسلیم طلبی ، سازشکاری و خیانت رهبران فرصت طلب حزب توده را بیش از پیش در معرض قضاوت تاریخ و سازندگان تاریخ قرار داد .

اگر امروز خیانتهای رهبران حزب توده و اکثریتها و دیگر دشمنان آزادی و برابری در مسیر تاریخی خود در ابعادی نوین و سطوحی تازه تکرار می گردد راه سرخ رفیق روزبه نیز بوسیله نسلی از کمونیستهای انقلابی یعنی رزمندگان فدایی کمونیست بسوی آینده راهایی کارگران و زحمتکشان پیموده می شود .

**راهش پویان و نامش جاودان .**

رسانند و با تلفیق درست فعالیت علنی و مخفی، تضمین ادامه کاری خود را حفظ کرده و رهبری مبارزات توده کارگران را در جهت تحقق اهداف سیاسی و مطالبات اقتصادی شان برعهده گیرند .

باوجود همه تدابیر اما در میدان مبارزه خطر دستگیری فعالین کارگری همواره وجودداشته و همیشه وجود خواهد داشت . دراین میان مسئله مهم عبارت ازاین است که وظیفه ما درمقابل دستگیری وزندان فعالین کارگری و بریدن احکام سنگین زندان و محرومیت از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی نظیر آنچه برای رضا شهابی پیش آمده است ، چیست؟ کارگران نمیتوانند درقبال دستگیری رفقای خودساکت بمانند . تا وقتیکه توده کارگران نتوانند متحدان از رفقای خود و فعالین و رهبران عملی خویش به دفاع برخیزند، شکار فعالین و سازماندهندگان اعتراضات کارگری محکوم کردن آنها به زندانهای طویل المدت و سرکوب این اعتراضات بسیار سهل و آسان خواهد بود . ازاین رو لازم است ضرورت اعتراض متحد علیه دستگیری فعالین کارگری و خواست آزادی کارگران دستگیر شده درمیان توده کارگران تبلیغ گردد. امروز بسیج حداقل بخشی از کارگران برای اعتراض به دستگیری و محاکمه فعالین کارگری و فشار به حاکمیت برای آزادی کارگران دستگیر شده از الویت خاصی برخوردار است .

### کار کمونیستی ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

kar@fedayi.org

راه سرخ نشریه فعالین داخل کشور سازمان

info@kare-online.org

ریگای گهل ارگان کمیته کردستان سازمان

پهره سبک نشریه نوجوانان کمیته کردستان [kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

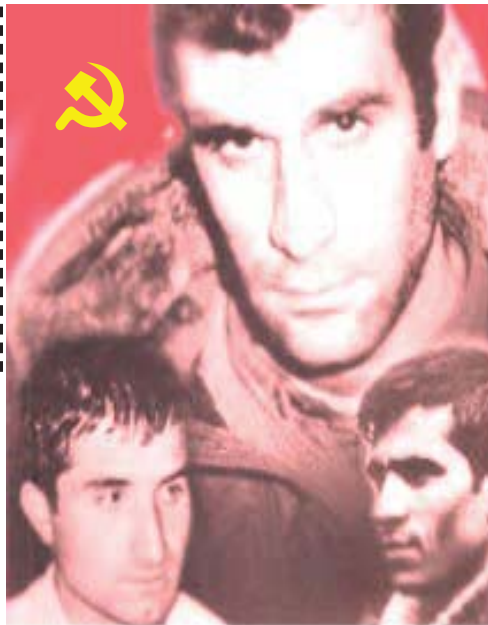
و آخرین اطلاعاتیه ها . مقالات . اخبار و دیگر انتشارات سازمان را در اینترنت از سایتهای زیر دریافت کنید

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

[www.kare-online.org](http://www.kare-online.org)







سه تن.

سه دهان. سه دل. سه فشنگ

سوگند خورده .

دست بر ماشه و گوش خوابانیده

بر صداهای دور و نزدیک

و پشت. بر خاک امانت سپرده...

6 مه ، سالگرد اعدام ، کمونیست و انقلابی کبیر و از بنیانگذاران ارتش رهایی بخش خلق ترکیه رفیق دنیز گزمیش و یارانش به دست مزدوران سرمایه، در ترکیه است. بخشی از دفاعیات دنیز گزمیش و رفقاییش که

یادآورہ دفاعیات رفقا گل سرخی و دانشیان است: رئیس دادگاه می پرسد، اسم؟

-دنیز گزمیش

-شغل؟

-انقلابی حرفه ایی

-رئیس دادگاه با عصانیت به منشی میگوید، بنویس، دانشجو!

-به دادگاه اعتماد داری؟

-در بیرون از سالن دادگاه ما را با چماق کتک می زنند و ظلمی که اینجا در حق ما صورت می گیرد، دادگاه به همه ای اینها چشم می بندد، من به چنین دادگاهی اصلا اعتماد ندارم. از اینکه دادگاه در چنین جایی تشکیل شده است، شرم دارم. ما بدون چشم داشت و با تمامی وجود برای خلق ترکیه و استقلال حاکمیت آن مبارزه می کنیم. به همین خاطر از مرگ هر اسی نداریم. حسین اینان:

مبارزات ملی افسران آگاه، اتحاد کارگران و دهقانان یک مبارزه متحدانه می باشد. نیروهایی که آن روز بر علیه مبارزه استقلال طلبانه از هیچ اقدامی فروگذار نکردند، امروز تحت نام دیگری فقط رنگ عوض کرده، اما همان تلاش شان را علیه مبارزه رهایی بخش فرزندان خلقمان پیش می برند. در ترکیه دهه ۷۰ از ۳۵ میلیون جمعیت آن ۲۴ میلیون در روستاها زندگی می کنند. بدون مدرسه، بدون راه، بدون کوچکترین امکانات رفاهی به حال خودشان رها شده اند. ۷۰ درصد جمعیت کشور سواد خواندن نوشتن ندارند. برای یافتن کار میلیون ها نفر در صف ایستاده اند. مهاجرت بی شمار و روز افزون روستائیان به شهرها برای یافتن کار و تشکیل کلاس های عهد حجر طریقت دینی روبروز در حال گسترش هستند. امروز با دولت ایالات متحده ۱۵۲ قرارداد مخفیانه امضا شده است. دولت ایالات متحده با ۱۰۱ واحد نظامی و ۲۰ هزار نیروی نظامی و هزاران هزار ماموران مخفی و استادان آمریکائی در دانشگاه ها با ترویج فرهنگ امپریالیستی کشورمان را اشغال کرده است. نماینده شرکت آمریکایی موریس سلیمان دمیرال است که سال ها نخست وزیر این کشور بوده است.

دنیز گزمیش و رفقاییش را در تاریخ ۶ می ۱۹۷۲ از کاپسری به آنکار منتقل کرده و آنها را در خانه مجازات این شهر به دار آویختند.

دنیز گزمیش در پای چوبه دار با این شعارها با زندگی وداع می کند :

“زنده باد ترکیه مستقل”!

“زنده باد مارکسیسم-لنینیسم، این ایدئولوژی کبیر”!

“زنده باد همبستگی مبارزات خلقهای کرد و ترک”!

زنده باد اتحاد کارگران و دهقانان”!

“مرگ بر امپریالیسم.”

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد!

خلق قهرمان. کارگران و رفقای

مبارز با مشارکت و ارسال مطالب

نظریات و انتقادات خود ما را در

غنی تر ساختن هر چه بیشتر

نشریه یاری نمائید .

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی

از آدرسهای زیر تماس بگیرید

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته تهران

[tehran@fedayi.org](mailto:tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

مسئولین پالتاک

[paltalkroom@fedayi.org](mailto:paltalkroom@fedayi.org)

کمیته امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

ریگای گه ل در فیس بوک

[www.facebook.com/regaygal](http://www.facebook.com/regaygal)

فدائیان کمونیست در فیس بوک

<http://facebook.com/sitefedayi>

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورایی !